

از حاشیه به متن!



گفت و گو

گفت و گو با بیژن ادیسی

گفت و گو: زهرا نظری، کارشناس ارشد مشاوره

بیژن ادیسی در سال ۱۳۴۳ در شیراز متولد شد و در ۱۳۷۵ لیسانس روان‌شناسی بالینی از دانشگاه آزاد اسلامی واحد ارسنجان، و در ۱۳۷۹ فوق‌لیسانس مدیریت آموزشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شیراز و در سال ۱۳۸۹، فوق‌لیسانس راهنمایی و مشاوره از دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت دریافت کرد.

سمت اصلی ایشان مشاور با ۲۰ سال تجربه کاری در حیطه مشاوره مدرسه می‌باشد.

ایشان دوره‌های آموزش خانواده، خانواده‌درمانی و اعتیاد را گذرانده‌اند.

بهترین و مهمترین کار این
است که مشاورین شخصیت
مشاوره‌ای خود را به مسئولین
نشان دهند، اطلاعات به روز
داشته باشند، علم و تخصص
خود را کاربردی کنند

● چه قدر با مجله رشد مشاور مدرسه آشنا هستید؟

○ من با این مجله در تهران آشنا شدم، مجله پرمغز و پرمحتوایی است و اطلاعات بسیار خوبی را در اختیار مشاوران قرار می‌دهد. من حتی در شیراز به همکاران توصیه کردم که این مجله را تهیه و مطالعه کنند و از مطالب آموزشی آن بهره ببرند.

● با کدام بخش از مجله ارتباط بهتری پیدا کردید و آن را مناسب می‌بینید؟

○ من علاقه زیادی به مطالعه مطالب جدید دارم و ترجیح می‌دهم بخش چکیده پایان‌نامه‌ها، تازه‌های پژوهش و معرفی کتاب‌ها را دنبال کنم.

● کیفیت مطالب را چگونه می‌بینید؟

○ کیفیت مطالب خوب است. وقتی کاری شروع می‌شود طبیعی است که در ابتدای کار نقاطضعفی وجود داشته باشد اما به مرور زمان نقاطضعف برطرف خواهد شد و مجله رشد مشاور هم از این قاعده مستثنی نیست، شما خودتان در این مجله هستید و می‌بینید که نسبت به شماره‌های قبلی اش بسیار بسیار متحول شده و به طور حتم رشد بیشتری خواهد کرد و اسم این مجله، مجله رشد مشاور مدرسه است و یک مشاور همیشه باید به دنبال رشد باشد.

● نقش مشاور را در مدرسه چگونه می‌بینید و مشاور در مدرسه و یا

در کل سیستم آموزش و پرورش جایگاهش کجاست و آیا جایگاه مناسب خود را پیدا کرده است؟

○ متأسفانه مشاوره هم برای مردم و هم مسئولین درست جا نیفتاده، برای انجام هر کاری به تخصص نیاز است، یک پزشک متخصص قلب و یک جراح مغز و اعصاب باید تخصص داشته باشد، همچنین باید بپذیریم که یک مشاور هم باید تخصص داشته باشد و تا زمانی که این موضوع را نپذیریم هیچ اتفاقی برای مشاوره نمی‌افتد. در سیستم آموزش و پرورش، در بین مدیران، معاونین و مسئولین رده بالاتر استان‌ها و نواحی هنوز مشاوره به عنوان یک تخصص جا نیفتاده، در مدارس از مشاورین درخواست‌هایی می‌شود که با روند مشاوره‌ای کاملاً در تضاد است و ممکن است که بین مشاور و مسئولین مدرسه برخوردی ایجاد شود. بارها شده که از مشاورین درخواست می‌شود در صورت غیبت معلمی، برای اداره کلاس آن معلم سر کلاس بروند، اجابت این درخواست موجب از دست دادن جایگاه مشاوره‌ای ما می‌شود، دیگر پست تخصصی ما مشاوره نیست بلکه یک معلم جایگزین است و این موضوع بر رابطه مشاوره‌ای بین دانش‌آموز (مراجع) و مشاور لطمه وارد می‌کند.

گاهی مسئولین مدرسه از مشاورین می‌خواهند که به عنوان مراقب در امتحانات حضور یابند، خوب ما سعی می‌کنیم که سر جلسه امتحان به عنوان آرامش‌بخش

و برطرف‌کننده اضطراب دانش‌آموزان حضور یابیم و در صورت مشاهده تخلفی از سوی دانش‌آموزان خود را درگیر نکنیم و جریان را به صورتی غیرمستقیم با مراقبین دیگر درمیان بگذاریم.

● ما چه کار کنیم که مشاور به عنوان یک متخصص پذیرفته شود و مشاوره از حاشیه خارج شود و در متن وارد شود؟

○ یکی از بهترین و مهمترین کارهای مشاورین این است که مشاورین شخصیت مشاوره‌ای خود را به مسئولین نشان دهند، اطلاعات به روز داشته باشند، علم و تخصص خود را کاربردی کنند.

● ضمن این که یک مشاور به عنوان یک متخصص عمل می‌کند، آموزش و پرورش و سیستم به مشاور چه کمکی می‌تواند بکند؟

○ در سیستم به خصوص در خانواده‌درمانی این اصل مطرح است که اگر یکی از عناصر سیستم تغییر کند، بقیه عناصر سیستم هم کماکان تحت تأثیر قرار می‌گیرند، بنابراین کافی است که ما از خودمان شروع کنیم و به طور حتم در طولانی مدت تأثیرات را خواهیم دید. پس خود مشاور باید بتواند جایگاه خود را تثبیت کند و سیستم مجبور می‌شود این جایگاه را بپذیرد، ضمن این که مسئولین هم باید نگرش مثبت‌تری نسبت به جریان مشاوره داشته باشند و یک سیستم حمایتی برای مشاور فراهم کنند و با به کار بردن عوامل تشویقی، انگیزه‌های درونی را تقویت کنند.

یک مشاور وقتی موفق است که خود را به عنوان یک متخصص بپذیرد، جایگاهش را تحکیم و تثبیت کند و از حمایت‌های سیستم استفاده کند

یکی از کارهای وحشتناکی که در کار مشاوره انجام شد تبدیل ساعات موظفی از ۲۴ ساعت به ۳۰ ساعت در هفته بود که به مشاورین ضربه زد و بهترین کاری که در پی اعتراض مشاوران به این تغییر صورت گرفت برگشتن به روال اول یعنی ۲۴ ساعت در هفته بود که واقعاً بهداشت روانی مشاوران را دوباره سر جایش برگرداند و این جای تشکر و قدردانی از مسئولین و دست‌اندرکاران دارد.

● **یک مشاور موفق، موفقیتش در چیست؟**

○ یک مشاور وقتی موفق است که خود را به عنوان یک متخصص بپذیرد، جایگاهش را تحکیم و تثبیت کند و از حمایت‌های سیستم استفاده کند.

● **آیا آموزش و پرورش دوره‌هایی را برای ارتقاء سطح علمی مشاوران و به روز شدن آن‌ها برگزار می‌کند؟**

○ دوره‌هایی به نام دوره‌های ضمن خدمت برای کلیه همکاران در تمام مقاطع تحصیلی وجود دارد اما متأسفانه چند مشکل عمده وجود دارد؛ استادی که برای تدریس درس در نظر گرفته می‌شود ممکنه در این زمینه تخصصی نداشته باشد، مشکل دیگر این است که جلسات ضمن خدمت بیشتر به صورت سخنرانی ارائه می‌شود و شکل کارگاهی و عملی ندارد و مشکل آخر این که گاهی مسئولین می‌خواهند صرفاً یک دوره را برگزار کنند، به نظر من اگر دوره‌های ضمن خدمت محدود شوند پرمحتواتر می‌شوند، در این

دوره‌ها همکاران بهره زیادی نمی‌برند، فقط حضور و غیابی صورت می‌گیرد و گواهی جهت حضور در کلاس‌ها صادر می‌گردد.

● **برگزاری کلاس‌های ضمن خدمت در زمینه ارائه کدام یک از مطالب سازشی، تحصیلی و شغلی صورت می‌گیرد؟**

○ در حال حاضر ارائه مطالب در حوزه سازشی صورت می‌گیرد، متأسفانه در این حوزه هم ما فقط مطالب نظری شنیدیم و کار عملی اصلاً وجود نداشته، یکی از مشکلاتی که نوجوانان با آن روبرو هستند برقراری رابطه با جنس متفاوت است و این عمده‌ترین مشکل دانش‌آموزان در دوره راهنمایی و دبیرستان است و این دوره دوره بسیار سرنوشت‌سازی است به طوری که بعضی از روان‌شناسان بزرگ مانند اریکسون آن را دوره فشار گفتند و مشکلات دیگری که وسایل ارتباط جمعی از قبیل اینترنت (چت)، ماهواره و موبایل برای نوجوانان به وجود آورده، همچنین نوجوانان مشکلاتی در داخل خانواده دارند، برای حل این مشکلات لازم است کارگاه‌هایی تخصصی برگزار شود و ما به عنوان درمانگر سیستمی در درمان آن‌ها اقدام کنیم. در حال حاضر من در کارگاه‌های خانواده‌درمانی که توسط اساتید گرامیمان در تهران تشکیل شده شرکت می‌کنم اما همکاران من در شیراز که علاقه‌مند به شرکت در کلاس‌ها هستند و برای شرکت در این کلاس‌ها و آمدن به تهران محدودیت دارند

تکلیف‌شان چه می‌شود؟

در ادامه سؤال شما در بعد مشاوره تحصیلی، کارگاه‌هایی برگزار شده که بسیار خوب بوده اما در بعد مشاوره شغلی تا به حال آموزش ضمن خدمت خاصی صورت نگرفته است.

این مسائل تابو محسوب می‌شود، در حدود دو دهه پیش اگر پزشک متخصص زنان و زایمان می‌خواست در صدا و سیما پیرامون مسائل زایمان و شیردهی صحبت کند محدودیت داشت در حالی که اطلاع‌رسانی و آگاهی دادن در این زمینه در حال حاضر در صدا و سیما بسیار راحت‌تر صورت می‌گیرد، مسائل جنسی هم در حال حاضر یک تابوست، تابو باید بشکند، بهتر است مسائل در حد فهم دانش‌آموز در مهدکودک‌ها و دوره ابتدایی توضیح داده شود و در دوره راهنمایی و دبیرستان اطلاعات تکمیلی داده شود و اگر نوجوان ما در این دوره‌ها خواست وارد رابطه‌ای شود آگاهی لازم را داشته باشد. به نظر من می‌توانیم از آموزش و پرورش کمک بگیریم و از مسئولین بخواهیم که آموزش مسائل جنسی به شکلی ساده و روان در کتاب‌های درسی گنجانده شود.

● **مشاورین ما چه قدر می‌توانند در زمینه آگاهی دادن به اولیا و ارتباط با آنها مؤثر باشند؟ چه اقداماتی در این زمینه در مدارس صورت می‌گیرد؟**

○ خوشبختانه الان مدتهاست که



مشاوره آخرین جایی است که دانش آموز مراجعه می‌کند، دانش آموز توسط معلم، معاون آموزشی و مدیر توییح می‌شود و در نهایت به مشاور ارجاع داده می‌شود

مشاور بوده باشند به‌طور حتم رویکرد مشاوره‌ای دارند و با مشاور ارتباط خوبی دارند.

● آیا مشاور می‌تواند مدیر بشود؟

○ بله اگر مشاور، مدیر بشود، رابطهٔ بهتری با مشاور خود برقرار می‌کند چون قبلاً مشاور بوده و از نزدیک مشکلات را لمس کرده. در کار مشاوره، اگر مدیری اطلاعات علمی مشاوره‌ای داشته باشد هرگز با مشاورش مشکلی پیدا نخواهد کرد.

در کشورهای پیشرفته مسئولین در مدرسه به صورت TEAM WORK کار می‌کنند، همه با هم در حل مشکل همکاری می‌کنند، در مدارس ما مشکلات به شکل فردی بررسی می‌شود، مشکل باید در ارتباط با کل سیستم (مدرسه و خانواده) بررسی شود و درمان شود.

متأسفانه اتاق مشاوره آخرین جایی است که دانش آموز مراجعه می‌کند، این آسیب‌زاست، دانش آموز توسط معلم، معاون آموزشی و مدیر توییح و گاهی تنبیه می‌شود و در نهایت به مشاور ارجاع داده می‌شود و جالب این‌جاست که در این مرحله انتظار از مشاور بالا می‌رود.

در ایران مشاور کار یک تیم را از جمله مددکار، روان‌شناس، پرستار و...

بباید شرح حال بگیرد نوبت نفر بعدی می‌شود و این باعث می‌شود که مشکلات به‌صورت ریشه‌ای درمان نشوند. در مدرسه مشاوره به یک گپ و گفت‌وگو تبدیل شده، همان‌طور که می‌دانیم مشاوره یک گفت‌وگوی هدفدار بین مراجع و مشاور برای رفع آشفتگی مراجع است.

با این وضعیت ما به مشکلات مراجع دامن می‌زنیم، دانش آموز می‌آید مشکلیش را می‌گوید و از من انتظار کمک دارد و من با محدودیت زمانی دچار فشار می‌شوم و این فشار کارایی و عملکرد من را تحت تأثیر قرار خواهد داد و این خود آسیب‌زاست.

● مشاوران مدرسه با چه مشکلات دیگری روبه‌رو هستند؟

○ مهمترین مشکل ما این است که اولیا و مسئولین فکر می‌کنند که ما می‌توانیم در یک زمان کوتاه (در عرض یک هفته) مشکلات را حل کنیم و همه از ما انتظار بیش از حد دارند.

● میزان همکاری مسئولین مدرسه (مدیر، معاون و دبیران) با مشاوران در چه حدی است؟

○ این میزان از مدرسه‌ای به مدرسهٔ دیگر متفاوت است، اگر مدیران خودشان قبلاً

کلاسهای آموزش خانواده برگزار می‌شود ولی متأسفانه کسانی به خانواده‌ها آموزش می‌دهند که ممکن است از اصول مشاوره بی‌خبر باشند و این امر به‌جای آن که در جهت بهبود یا رشد خانواده انجام شود موجب آسیب و زیان بیشتر شود.

● پس منظور تان این است که این کار به شکلی تخصصی صورت نمی‌گیرد؟

○ بله، یک کار تخصصی توسط فردی غیرمتخصص انجام می‌شود. کسی که می‌خواهد به خانواده آموزش بدهد باید روان‌شناس و مشاور باشد. رشته‌های دیگر ربطی به آموزش خانواده ندارند، صرف این‌که من ۴ کتاب روان‌شناسی بخوانم، می‌توانم اثرگذار باشم؟

● با وجود تعداد زیاد دانش‌آموزان در مدارس و اختصاص ۱ ساعت مشاوره برای ۱۵ دانش‌آموز، آیا یک مشاور مدرسه از عهدهٔ این همه کار برمی‌آید؟

○ این سؤال دو بخش دارد، وقتی مشاوران فعالیت تخصصی خود را انجام نمی‌دهند و به کارهای غیرتخصصی می‌پردازند از نظر مسئولین مدرسه مشاور خوبی محسوب می‌شوند و از نظر دانش‌آموزان مفید محسوب نمی‌شوند اما در بخش دوم اگر مشاور بخواهد فعالیت تخصصی خود را انجام بدهد ممکن است سایر اعضای مدرسه دچار تناقض شوند. این‌که ۱۲ دانش‌آموز به ۱۵ دانش‌آموز تبدیل شده و میزان ساعت مشاوره‌ای همان ۱ ساعت می‌باشد این ظلمی مضاعف به مشاورین است. ما در عرض ۱ ساعت می‌توانیم حداکثر با ۴ دانش‌آموز مشاوره بکنیم. استاندارد جهانی ۳ یا ۴ دانش‌آموز است. مشاور چگونه می‌تواند با دانش‌آموزی که مشکل تحصیلی، خانوادگی، ارتباطی (درگیری با دبیر، دانش‌آموزان دیگر) دارد در یک زمان محدود کار کند، مشاور تا



مشاور باید بتواند با دانش آموز ارتباط خوبی برقرار کند و از دانش آموز بخواهد خانواده را وارد درمان کند. قسمت اعظم کارما، کار روی خانواده است

مشکلات در خانواده، وجود بیماری خاصی در خانواده و... گزارش می‌شود. در صفحه اول این فرم فکر می‌کنم در آخرین سؤال، از دانش آموز پرسیده می‌شود آیا مشکل خاصی دارید که با مشاور مطرح کنید؟ اکثر دانش آموزان پاسخ می‌دهند «خیر» چرا که این فرم در ابتدای سال در اختیار دانش آموزان قرار می‌گیرد و هنوز آن رابطه حسنه بین دانش آموز و مشاور شکل نگرفته بنابراین بهتر است که ۴، ۵ ماه از سال بگذرد و بعد این فرم توزیع شود. ما فقط می‌خواهیم این پرونده‌ها را پر کنیم و کار زودتر تمام شود. به نظر می‌رسد که کیفیت کار خیلی مهم نیست، بنابراین دانش آموز می‌تواند در این فرم خیلی از حقایق را کتمان کند و برعکس می‌تواند حقایق را بگوید و دیگر به مصاحبه فردی نیاز نباشد. با توجه به اختصاص یک ساعت مشاوره برای هر ۱۵ نفر و زمان محدود برای آن‌ها، بهترین کار این است که این فرم‌ها در زمان بسیار مناسب در اختیار دانش آموزان قرار بگیرد و مشاور دانش آموزانی را که نیازهای خاص و ویژه‌ای دارند انتخاب کند و حتی به صورت گروهی روی آن‌ها کار کند و به آن‌ها مشاوره گروهی بدهد که هم موجب صرفه‌جویی در وقت می‌شود و هم دانش آموزان متوجه می‌شوند که مشکلات آن‌ها خاص و منحصر به فرد نیست و راحت‌تر با مسائل و مشکلات خود برخورد بکنند.

● دیده شده که دبیران رشته‌های علوم انسانی از جمله دبیران فلسفه و دینی در حوزه‌های مشاوره‌ای مانند یک مشاور به ایفای نقش می‌پردازند، این تداخل نقش‌ها چه اثر می‌گذارد؟

○ وقتی دبیری غیبت می‌کند از من مشاور می‌خواهند که به کلاس درس بروم، من نمی‌توانم وارد حوزه درسی آن دبیر

○ این صندوق در سال‌های اول خیلی خوب بود چون دانش آموزان تمام مشکلاتشان را به صورت غیرمستقیم با مشاور در میان می‌گذاشتند اما به مرور زمان این ارتباطات کمتر شد چون مشاوران از نقش‌های تخصصی خود دور شدند و مشاور به عنوان یک فرد غیر رازدار در نظر گرفته شد. مشاور برای کمک به دانش آموز مسائل را با مدیر، معاون و معاون با معلم در میان می‌گذاشت و معلم این مسائل را سرکلاس مطرح می‌کرد و این باعث می‌شد که دانش آموزان اعتماد خود را نسبت به مشاور از دست بدهند. اگر مشاور، مشاور خوبی باشد و در حرفه خود متخصصانه عمل کند و اصل رازداری را رعایت کند به طور حتم به این صندوق نیازی نخواهد بود.

● یکی از وظایف مشاورین مدارس تشکیل پرونده‌های مشاوره‌ای در دبیرستان است، نظرتان در مورد تشکیل این پرونده‌ها چیست؟

○ تشکیل این پرونده‌ها زمانی مفید است که به صورت کاربردی به کار روند، این پرونده‌ها چند فرم دارند در فرم شماره ۱، به اطلاعات شخصی دانش آموز، علایق او، تعداد اعضای خانواده‌اش، دین، مذهب،

انجام می‌دهد، مددکاری، روان‌شناسی و موارد دیگر هر کدام حوزه‌های تخصصی‌اند و مشاور مجبور می‌شود که در این حوزه‌های تخصصی وارد شود ضمن این‌که با وارد شدن به این حوزه‌ها به تخصص مشاوره‌ای خود لطمه می‌زند.

● براساس تجربیات مشاوره‌ای خود در طی این سالیان بیشترین مشکلات - دانش آموزان را در چه می‌بینید؟

○ فقط و فقط خانواده‌ها نقش بسیار مهمی را ایفا می‌کنند. اگر دانش آموز در خانواده راحت باشد در کلاس درس، حیاط مدرسه، هنگام رفت و آمد در سرویس، مشکلی نخواهد داشت.

● برای کمک به دانش آموزان چه پیشنهادی دارید؟

○ مشاور باید بتواند با دانش آموز ارتباط خوبی برقرار کند و از دانش آموز بخواهد خانواده را وارد درمان کند. قسمت اعظم کار ما، کار روی خانواده است.

● در مدارس صندوق مکاتبه با مشاور وجود دارد. این صندوق در ایجاد ارتباط مشاوران با دانش آموزان و پاسخگویی به مسائل آن‌ها چه قدر مفید است؟

بشوم، با ورود من به حوزه تخصصی آن دبیر، ممکن است اشتباهاتی پیش بیاید همان‌طور که من وارد حوزه تخصصی دبیران دیگر نمی‌شوم، اگر هر دبیری بنا به دلایلی در حوزه تخصصی من وارد شود، ممکن است مشکلات زیادی به وجود بیاید همان‌طور که در ابتدای صحبت‌هایم عرض کردم مشاوره یک کار تخصصی است حتی اگر دبیری دکترای یک درس را داشته باشد هرگز نمی‌تواند کار مشاوره انجام دهد. ما در مشاوره اصلی داریم و طبق آن اصل، مشاور با شخصیت مشاوره‌ای خود وارد جلسه مشاوره می‌شود، یعنی شخصیت مشاور بیش از علم او اهمیت دارد، یک دبیر ریاضی ممکن است دبیر خوبی باشد ولی شخصیت او همانند شخصیت یک مشاور نیست کمالین که یک مشاور شخصیت یک دبیر فیزیکی و ریاضی را نخواهد داشت، بنابراین تلفیق این موارد جز ضرر و زیان چیز دیگری نخواهد داشت.

● در مدارس بعضی از دانش‌آموزان مشکلات عمیق و خاصی دارند، آیا در حیطه وظایف مشاوران است که برای حل مشکلات دانش‌آموزان با ارگانی خاص ارتباط بگیرند و آیا ارگانی خاص حمایت از مشاوران و دانش‌آموزان را به عهده می‌گیرد؟

○ تجربه شخصی من نشان داده که بارها و بارها دانش‌آموزان مشکلات شدیدی داشتند و من آن‌ها را فقط به آن ارگان و واحد خاص معرفی کردم، من هرگز وارد روند کار آن ارگان نمی‌شوم، این مسائل مربوط به مددکاری اجتماعی است. وقتی که از TEAM WORK صحبت می‌شود یعنی این که هر کس وظایف خود را انجام می‌دهد. من در حدی که بتوانم دانش‌آموز را معرفی کنم جلو می‌روم ولی از آن به بعد پا را فراتر نمی‌گذارم

ما مشاورین معتقدیم که هرگز نمی‌توانیم همه مراجعین را درمان کنیم و وقتی در درمان مراجعی ناتوان هستیم به‌طور حتم او را به منابع دیگری که از ما توانمندتر هستند ارجاع می‌دهیم.

● با توجه به موارد اشاره شده مسئولیت مشاورین در مدارس بسیار سنگین می‌باشد آیا آموزش و پرورش برای فرسودگی شغلی مشاوران تدبیری اندیشیده است؟

○ یکی از کارهایی که مراکز مشاوره در نواحی شهر ما انجام می‌دهند این است که هر ۳ یا ۴ ماه یک بار مشاورین را به سفرهای تفریحی می‌برند. اخیراً از طریق سازمان ما را به سفر ۴ روزه مشهد مقدس بردند، این کار، کار بسیار شایسته‌ای است که توسط مسئولین انجام می‌شود. امیدوارم نه تنها مشاوران بلکه معلمان هم چنین حمایت‌هایی را دریافت کنند. من شنیدم که در ژاپن وقتی یک نفر وارد حرفه معلمی می‌شود از تمام کارخانه‌ها برای او email می‌آید که به او خوش آمد می‌گویند و از او دعوت می‌کنند که از کارخانه آن‌ها دیدن کند، معلم به چند تا از کارخانه‌ها سر می‌زند و آن‌ها لیستی از اقلام آن کارخانه در اختیار او قرار می‌دهند و معلم هر کدام را انتخاب کند ۵ تا ۱۰ درصد هزینه آن را کارخانه و بقیه را دولت پرداخت می‌کند.

فرسودگی شغلی مشاوران و معلمان از فرسودگی شغلی پرستاران کمتر نیست. ما مشاوران در واقع نوعی پرستاری انجام می‌دهیم؛ مراقبت از خانواده و دانش‌آموز برای پیشگیری از ابتلای دانش‌آموزان به آسیب‌های اجتماعی.

از مسئولین درخواست می‌کنیم که به این مسأله توجه بیشتری بکنند و شاید ما بتوانیم با ۲۰ سال یا ۲۵ سال سابقه کاری بازنشست شویم.

● توصیه شما از طریق مجله رشد

مشاور به همکارانتان چیست؟

○ به‌طور خلاصه می‌توان به مواردی اشاره کرد مثل:

۱. حضور در جلسات و کارگاه‌های آموزشی و کاربردی و نه هر جلسه‌ای
۲. دستیابی به منابع جدید علمی از طریق کتاب، مجلات، اینترنت (منابع فارسی و انگلیسی).

۳. استفاده از منابع در کار درمان من ۲۰ سال است که مشاورم، حدود ۱۰ سال آن را با لیسانس روان‌شناسی و فوق‌لیسانس مدیریت آموزشی کار کردم، متوجه شدم که فوق‌لیسانس مدیریت آموزشی موجب ارتقاء سطح علمی من در بعد مشاوره نمی‌شود، سعی کردم خود را در رشته مشاوره به روز کنم و از زمانی که در این رشته وارد شدم این تغییر تفکر را می‌بینم.

● پیشنهادتان برای ارتقاء مجله چیست؟

○ اگر بخشی با عنوان منابع انگلیسی اضافه شود خوب است. واقعیت این است که نظریات کاربردی ما از غرب آمده، نظر من این نیست که همه آن‌ها با فرهنگ ما متناسب است، ما آن مطالبی را که با فرهنگ ما سازگاری دارد انتخاب می‌کنیم، در قرآن کریم آیه‌ای است که اشاره می‌کند ای مردم تمام سخنان را بشنوید از بین آن‌ها بهترین را انتخاب کنید و مشابه این موضوع را حضرت علی(ع) در نهج‌البلاغه آورده‌اند که تو به حرف مردم گوش بده و آنچه را که بهتر است انتخاب کن.

یک زمانی اروپائیان طب ابن‌سینا را وارد علم پزشکی خود کردند و از آن استفاده کردند، بنابراین منابع انگلیسی هم به شرطی که با فرهنگ ما سازگاری داشته باشد، مفید واقع می‌شود.